

نگاهی به زندگی ماژور مسعود کیهان

فاطمه معزی

کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ یکی از رویدادهای مهم و تأثیرگذار در ایران بود که بر اساس آن، پایه حکومت پهلوی نهاده شد. برای بررسی این واقعه تاریخی شناخت عوامل آن ضروری است و زندگینامه افراد دخیل در این کودتا به روشن کردن زوایای تاریخ آن کمک بسیار خواهد کرد. به همین جهت با توجه به نقش مهم ماژور مسعود کیهان، در این مقاله به او می‌پردازیم.

مسعود کیهان فرزند عبدالمطلب مستشارالوزاره، مستشار توپخانه، در سال ۱۲۷۲ش در تهران متولد شد.^۱ تحصیلات ابتدایی را در خانه پدری فرا گرفت و در مدرسه علمیه به ریاست مهدیقلی خان مخبرالسلطنه به تکمیل تحصیلات خود پرداخت. سپس در یازده سالگی با هزینه شخصی برای ادامه تحصیل به فرانسه رفت و دوره تحصیلات متوسطه خود را در فرانسه به پایان برد. در امتحان دانشکده نظامی سن سیر پذیرفته شد، با اخذ درجه افسری یک سال در ارتش فرانسه خدمت کرد و در اولین سالهای جنگ جهانی اول به ایران بازگشت.

پس از بازگشت به ایران، ابتدا در فوج سرباز شیراز به فرماندهی پیاده‌نظام گمارده شد و بعد از مدت کوتاهی در ۱۳۳۳ق. بنا به درخواست مهدیقلی خان مخبرالسلطنه، حاکم شیراز، با درجه ماژوری به هنگ سوم ژاندارمری فارس منتقل شد^۲ و ریاست نظمیّه فارس را نیز برعهده گرفت.^۳ هنگ سوم ژاندارمری بر اساس نیاز انگلیس برای تأمین امنیت منطقه و حفظ منافع این کشور ایجاد شده بود، جنگ جهانی اول و ناامنی موجود از سوئی و فعالیت شدید آلمانیها در جنوب ایران و خروج فوج سوار هندی ارتش انگلیس بر اهمیت این هنگ برای انگلیس می‌افزود. ولی از میان افسران همین هنگ

۱. علی کریمیان، (نمونه امضای اعضای هیئت دولت از ۱۲۹۹ الی ۱۳۲۰ش)، گنجینه اسناد، ص ۴، ش ۳، ص ۴۸.

۲. مهدیقلی خان هدایت، خاطرات و خطرات، تهران، زوار، ۱۳۴۴، ص ۲۶۲.

۳. پیشین، ص ۴۸.

گروهی یک حزب را به نام کمیته حافظین استقلال تشکیل دادند که هدف آن دفاع از استقلال کشور در برابر حضور نظامی انگلستان و مبارزه مسلحانه با نفوذ انگلستان در منطقه با استفاده از امکانات ژاندارمری و نیروهای محلی اعلام شد.^۴ این گروه همکاری نزدیکی با حزب دموکرات فارس داشت. حضور مخبرالسلطنه، حاکم دمکرات و ژرمنوفیل شیراز، هم موجب افزایش فعالیت حزب دموکرات فارس شده بود و فشار انگلستان برای عزل او از مسند حکومت فارس بی نتیجه ماند.^۵ مسعود خان کیهان یکی از اعضای مؤسس کمیته حافظین استقلال بود. از دیگر مؤسسان آن می توان از یاور محمد صادق کویال، نایب اول محمدتقی خان عرب، سلطان حسن ملکزاده، سلطان احمد اخگر، یاور علیقلی خان پسیان نام برد.

با آغاز فعالیتهای کمیته حافظین استقلال در شیراز، ژاندارمری که گرایش بیشتری به آلمانیها داشت در تهران از سوی انگلیس تحت فشار قرار گرفت^۶ و از سوی کلنل ادوال سوئدی رئیس کل ژاندارمری به افسران رژیمان (هنگ) فارس دستور داده شد که از شرکت در هر گونه فعالیت سیاسی و حزبی پرهیز کنند. ولی این دستورها مؤثر واقع نشد، تا اینکه در ذیقعده ۱۳۳۵ق. با ترور غلامعلی خان نواب، نایب کنسول انگلیس در شیراز، به توسط دموکراتهای فارس، اقدامات اساسی برای ایجاد امنیت از سوی انگلستان در فارس صورت گرفت. مخبرالسلطنه از حکومت فارس برکنار و به تهران احضار شد. ژاندارمری نیز سلطان مسعودخان، سلطان حسن ملکزاده، ماژور سیف الله خان شهاب و سلطان سالار نظام کویال را که از افسران فعال ژاندارمری و عضو کمیته حافظین استقلال بودند به تهران فرا خواند.

مسعودخان پس از بازگشت به تهران با مسئله تهدید پایتخت به توسط روسها و مهاجرت دولت روبه رو بود، دولت نیروی ژاندارمری را برای حفاظت راهها مأمور کرد اما با صرف نظر احمدشاه از مهاجرت، دولت دستور بازگشت نیروی ژاندارم را به تهران صادر نمود ولی با توجه به گرایش افسران ژاندارمری به آلمانیها، این دستور عملاً مورد اعتنای ژاندارمری واقع نشد. ماژور مسعود خان کیهان نیز از افسرانی بود که به دولت مهاجرین پیوست و در سلطان آباد اراک در دسته نظامی کنت کانتیز، وابسته نظامی آلمان که با ژاندارمری همکاری می کرد، قرار گرفت. او مأمور آموزش، تجهیز و فرماندهی گردان گارد اراک شد. اعضای این گردان را مهاجران و افراد محلی و نیروی ژاندارمری

۴. علیمراد فر اشنیدی، تاریخچه حزب دموکرات فارس، تهران، اسلامی، ۱۳۵۹، ص ۳۱.

۵. کشف تبلیس یا دورویی و نیزنگ انگلیس از روی اسناد محرمانه انگلیسی در باب ایران، برلین، کاهو، ۱۳۳۶،

ص ۱۶۰. ۶. همان، ص ۱۵۸.

تشکیل می‌دادند و هدف آنان حمایت از دولت مهاجرت بود.^۷ ماژور مسعودخان با گردان خود در اراک مدتی در مقابل قوای روس مقاومت کرد، ولی ژاندارمری از نیروهای روس شکست خورد و ناچار به عقب‌نشینی شد. ماژور مسعودخان هم که مجروح شده بود،^۸ به دولت ملی در قصرشیرین پیوست. پس از بهبود از طرف دولت ملی فرمانده قشون اعزامی به جبهه قلیچ‌خانی در کرمانشاه شد ولی با حمله سارقان مسلح، نیروی تحت امر وی خلع سلاح شدند و به همین علت بنا به دستور کلنل بوب آلمانی فرمانده قشون دولت ملی در قصرشیرین به دلیل این وضعیت خفت‌بار برای قشون در دادگاه صحرایی محاکمه شد.^۹ شکستهای دولت ملی از قوای روس و پراکندگی قوای نظامی این دولت فرصتی بود تا ماژور مسعودخان، بی‌اعتنا به حکم دادگاه با گروهی دیگر از افسران به عثمانی پناهنده شود و در ۱۳۳۵ق - ۱۹۱۷م به همراه ماژور سالار نظام کوپال راهی اسلامبول شدند.^{۱۰}

پناهندگان ایرانی در عثمانی هر یک با توجه به گرایشهای سیاسی خود به چند گروه تقسیم شدند. عده‌ای با گرایشهای ژرمنوفیل از اسلامبول راهی برلین شدند، عده‌ای به ارتش عثمانی پیوستند و ماژور مسعودخان کیهان و ماژور کوپال که تا به حال به عنوان نیروهای ژرمنوفیل در ژاندارمری شناخته شده بودند ناگهان به ضدیت با آلمانها شهرت یافتند و به انگلیسها متمایل شدند. منابع موجود در مورد چگونگی این ضدیت و تغییر گرایش آنان به انگلیسها سکوت کرده‌اند و مشخص نیست که باید آنان را از عناصر نفوذی انگلیس در ژاندارمری محسوب داشت، یا شکست متحدین در جنگ و عقیم ماندن سیاست آلمانها در مقابله با انگلیس در ایران و یا وضع بد مالی این افسران و وجود ایرانیهای انگلوفیل ثروتمند چون میرزا کریم‌خان رشتی در اسلامبول را باعث این چرخش برشمرد.

در سال ۱۹۱۹م/۱۲۹۷ش، با به پایان رسیدن جنگ جهانی، مهاجران ایرانی به کشور خود بازگشتند. کیهان نیز به ایران بازگشت و بلافاصله به ژاندارمری فراخوانده شد. اولین مأموریت وی همراهی کلنل هنری اسمایس انگلیسی، مأمور رسیدگی به وضعیت ژاندارمری آذربایجان و زنجان و سازماندهی آن بود، ماژور مسعودخان خیلی زود مورد

۷. پرویز افسر، تاریخ ژاندارمری، بی‌جا، بی‌تا، ۱۳۳۲، ص ۱۵۴.

۸. علی کریمیان، نمونه اعضای هیئت دولت (۱۲۹۹-۱۲۳۰ه.ش)، گنجینه اسناد، س ۳، ش ۱، بهار ۱۳۷۲، ص ۴۸.

۹. حسن منکراده هیرید، سرگذشت جبروت‌انگیز یک افسر و کارمند ارتش دولت در ۳۷ سال خدمت لشکری و کشوری، تهران، بی‌تا، بی‌جا، ص ۲۸، ۱۰. همان.

اعتماد اسمایس قرار گرفت.^{۱۱} مأموریت اسمایس در آذربایجان به علت قیام خیابانی ناتمام ماند و او پس از بازگشت به تهران عضو هیئت هشت نفره مستشاران نظامی انگلیسی قرارداد ۱۹۱۹ شد.

با ابطال قرارداد ۱۹۱۹، وزارت جنگ و وزارت هندوستان بریتانیا به طرح کودتای ۱۲۹۹ روی آوردند و به تهیه مقدمات آن پرداختند. کمیته‌ای تحت عنوان کمیته آهن یا کمیته زرگنده در تهران نیز به منظور تأمین این هدف شکل گرفت. مسعودخان کیهان نیز به عضویت این کمیته درآمد. ریاست این کمیته بر عهده سید ضیاءالدین طباطبایی و محل تشکیل جلسات نیز در زرگنده منزل وی بود. آشنایی سید ضیاء با مسعودخان کیهان به دوره دو ساله تحصیل سید ضیاء^{۱۲} در فرانسه بازمی‌گردد. اعضای اصلی کمیته آهن عبارت بودند از: «سید ضیاءالدین طباطبائی، میرزا محمودخان مدیرالملک (محمود جم)، دکتر منوچهرخان طبیب ژاندارمری اشوهر خواهر کلنل کاظم خان سیاح، میرزا موسی خان رئیس خالصجات، مسعودخان سرهنگ. جمعی هم از تهران می‌آیند و می‌روند مانند ملک الشعراء بهار خراسانی، میرزا کریم گیلانی ارشتی، دکتر مؤدب‌الدوله، سید محمد تدین، ایبکیان ارمنی ... وستهال (وستداهل) سوئدی».^{۱۳} روایتی موجود است حاکی از اینکه این کمیته دارای سه عضو خارجی یعنی ژنرال سر ادموند آیرونساید، کلنل هنری اسمایس و سر والتر اسمارت نیز بوده است...^{۱۴} درخصوص کمیته آهن اطلاعات زیادی در دست نیست، ولی آنچه مسلم است سیاست این کمیته کاملاً هماهنگ با سفارت انگلیس در ایران بود. یحیی دولت‌آبادی در مورد آن می‌نویسد که این کمیته «مرکز سیاست انگلیس»^{۱۵} بوده است.

11. Kenneth Bourne alt. *British ocuments on Foreign Affairs* niversity Pubs. of America 1990. Part 2 ol. 16 p. 371.

۱۲. عباس هاشم‌زاده محمدیه، «اسنادی نوبافته از زندگانی سید ضیاءالدین طباطبایی یزدی»، گنجینه اسناد، س ۳، دفتر ۳ و ۴، ۱۳۷۱، ص ۱۳۶.

۱۳. یحیی دولت‌آبادی. حیات یحیی، تهران، فردوسی و عطار، ج ۴، ص ۱۵۱. درخصوص اعضای کمیته آهن حسین مکی افراد دیگری را به غیر از اسمایس فوق نام برده است که عبارتند از: آبکار ارمنی، مازور اسفندیارخان، عدل‌الملک دادگر، سلطان محمد خان عامری، معزز‌الدوله، غفار خان سالار منصور قزوینی، کلنل کاظم خان، سلطان اسکندر خان، و منصورالسلطنه ولی منبع خود را معرفی نکرده است. عباس اسکندری نیز این کمیته را دارای ۱۱ عضو معرفی می‌کند ولی از تک‌تک اعضا نام نبرده است و فقط سه عضو خارجی کمیته را نام می‌برد. رک: مذاکرات مجلس دوره پانزدهم، ص ۲۱۴۵.

۱۴. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، تهران، نشر ناشر، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۱۸۹.

۱۵. پیشین، ج ۴، ص ۱۵۱.



مازور مسعود خان کیهان همراه سید ضیاءالدین طباطبایی و سایر اعضای کودتا | ۱۷۸۴-۱۱

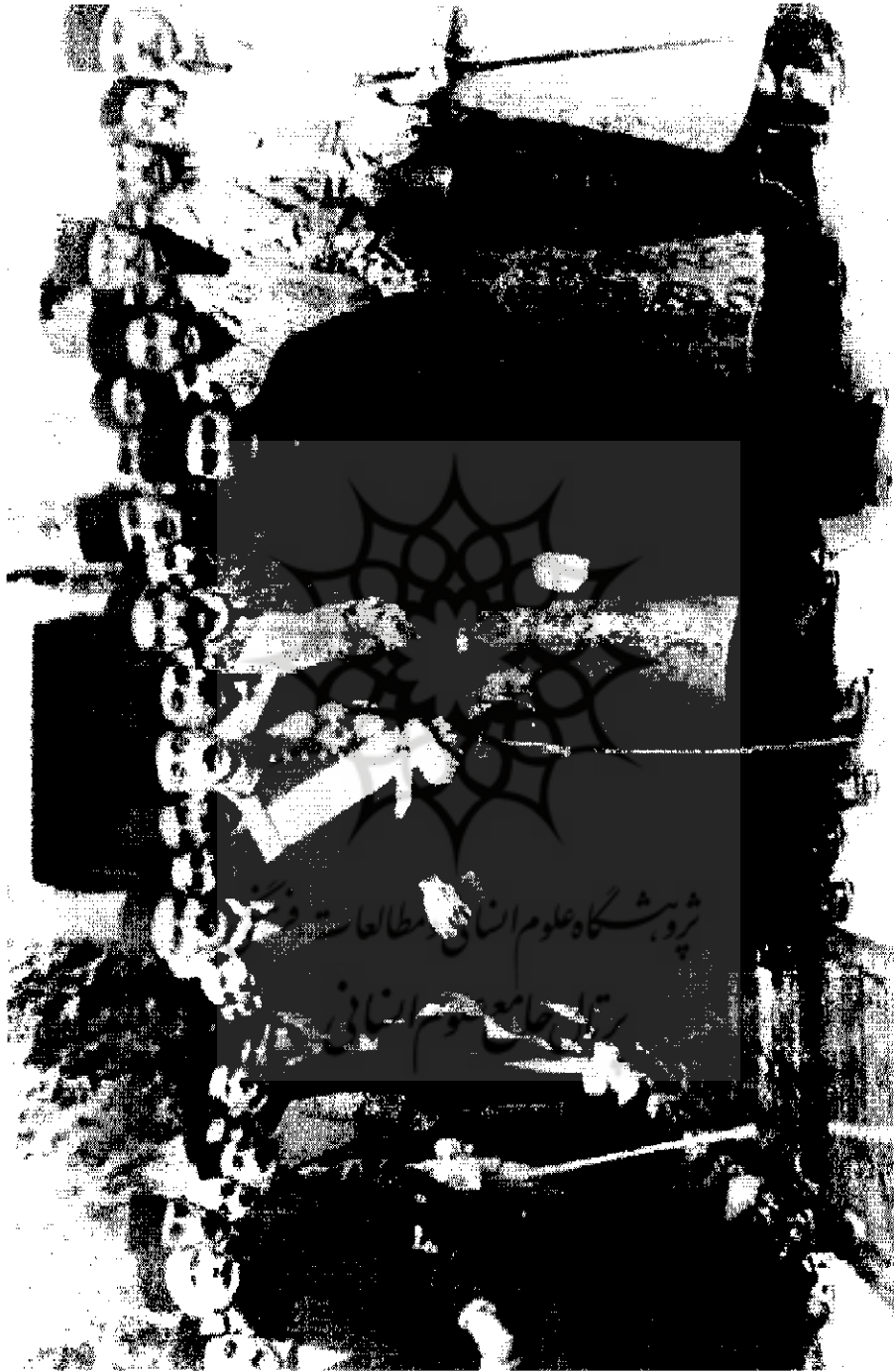
ماژور مسعود کیهان همراه با کاپیتان کاظم خان سیاح، از افسران ژاندارمری و عضو کمیته آهن که وی نیز مورد اعتماد اسمایس بود،^{۱۶} به عنوان عوامل مستقیم کودتا در ژاندارمری معین شدند. علت انتخاب مسعود خان برای انجام گرفتن این مهم اعتماد و نزدیکی بیش از حد اسمایس به وی بود تا جایی که کالدول وزیرمختار امریکا در ایران وی را به عنوان معاون شخصی اسمایس معرفی می‌کند.^{۱۷} کیهان سعی می‌کند افسران دیگری از ژاندارمری را هم با خود همراه کند. از سرگرد حسن ملکزاده که زمانی با هم در فارس در کمیته حافظین استقلال بودند می‌خواهد که خود را به نیروی تحت امر اسمایس انتقال دهد. ملکزاده که مأمور بود با مخبرالسلطنه برای سرکوب قیام خیابانی به آذربایجان رود از پیشنهاد کیهان استقبال کرد و تقاضای انتقال داد ولی گلوب سوئدی با این تقاضا مخالفت کرد.

نیروی دیگری که طراحان کودتا سعی در تسلط بر آن را داشتند قزاقخانه بود. نیروی قزاق که از سال ۱۲۹۶ش هزینه خود را از بانک شاهنشاهی دریافت می‌کرد در این زمان تحت ریاست استاروسلسکی روسی بود. مخالفتی که در این زمان از سوی نیروی قزاق با قرارداد ۱۹۱۹ صورت گرفت موجب شد انگلستان به رغم مخالفت احمدشاه در صدد تعویض فرماندهان روس قزاقخانه برآید. این امر در آبان ۱۲۹۹ش با تلاش نورمن وزیر مختار انگلیس و ژنرال آیرونساید به نتیجه رسید. آیرونساید اسمایس را برای رسیدگی و نظارت به امور مالی و اداری نیروی قزاق منصوب کرد و فرماندهی قزاقها رسماً به سردار همایون که تمایلی به این امر نداشت واگذار شد.^{۱۸} تاچنین وانمود شود که با خروج روسها یک ایرانی مورد اعتماد شاه به این پست حساس گمارده شده است ولی عملاً کنترل این نیرو در دست عوامل کودتا، یعنی ژنرال آیرونساید و سرهنگ اسمایس، بود.^{۱۹} با شناسایی رضاخان میرپنج و اعتماد بر توانایی وی در کنترل قزاقخانه دیگر احتیاجی به حضور سردار همایون در قزوین (محل تجمع نیروهای قزاق) نبود. بدین سبب سردار همایون را که خودش نیز تمایل به ماندن در پادگان قزوین نداشت به مرخصی اجباری به تهران فرستادند. انگلیسیها با استفاده از این موقعیت عملاً فرماندهی قزاقخانه را به رضا خان میرپنج واگذار کردند. میان رضاخان قزاق و

16. British documents on Foreign Affairs vol. 16 p. 375.

۱۷. سیروس غنی. ایران: برآمدن رضاخان، برافتادن قاجار و نقش انگلیسیها. ترجمه حسن کامشاد، تهران، نیلوفر، ۱۳۷۷، ص ۲۰۷.

۱۸. خاطرات سری آیرونساید، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، رسا، ۱۳۷۳، ص ۲۰۳.
۱۹. همان.



احمدشاه و محمدحسن میرزا ولیمهد و جمعی از رجال و اعضای کابینه سید ضیاءالدین: ۱. سید ضیاءالدین طباطبائی ۲. مازور مسعود کیهان
۳. محمود جم (مدیرالملک) | ۱۰-۲۶

ژاندارمری توسط مسعود کیهان و کلنل سیاح ارتباط لازم برای کودتا به عمل آمد. مسعود کیهان عامل ارتباط بخشهای نظامی و غیرنظامی کودتا بود؛ او با حضور در ژاندارمری و ارتباط با قزاقخانه و ارتباط با سید ضیاءالدین طباطبائی هماهنگی لازم بین شاخه نظامی و غیرنظامی کودتا را ایجاد می‌کرد.

در ۲۵ دلو ۱۲۹۹ ش. نیروهای قزاق تحت امر رضاخان به سوی تهران حرکت کردند. نیرویی مرکب از صد نفر ژاندارم نیز به فرماندهی ماژور مسعود خان کیهان این گروه را همراهی می‌کرد. نیروی قزاق در شاه‌آباد مستقر شد و مسعودخان به صورت مخفیانه به تهران رفت تا سید ضیاءالدین رهبر غیرنظامی کودتا را برای آمدن به شاه‌آباد همراهی کند. اول حوت وی با سید ضیاء به شاه‌آباد بازگشت و ستاد پنج نفره کودتا تشکیل شد. اعضای ستاد، متشکل از سید ضیاء، مسعودخان کیهان، کاظم خان سیاح، رضاخان و امیراحمدی، پیمان اتحاد و خیانت نکردن به یکدیگر بستند و آنان با ادعای نجات مادر وطن از چنگ اجانب به بررسی طرح کودتا پرداختند. پس از امضای این پیمان، رضاخان همراه با سیاح به کرج رفتند نیروهای قزاق به فرماندهی رضاخان و ژاندارمها به فرماندهی مسعودخان کیهان در مهرآباد به هم ملحق شدند و به سوی تهران حرکت کردند. در سوم حوت بی‌هیچ مقاومتی تهران را در اختیار گرفتند.

سید ضیاءالدین در چهارم اسفند به نخست‌وزیری منصوب شد و در دهم اسفند کابینه خود را معرفی کرد. هفت نفر از اعضای ده نفره کابینه سید ضیاء را اعضای کمیته آهن تشکیل می‌دادند. این هفت نفر عبارت بودند از: منصورالسلطنه کفیل عدلیه، عدل‌الملک (مصطفی عدل) وزیر عدلیه، محمود جم و معزالدوله وزیر خارجه، مؤدب‌الدوله وزیر صحت و امور خیریه، احمد عامری معاون نخست‌وزیر، و مسعودخان کیهان وزیر جنگ. حتی مناصب مهمی چون حکومت نظامی تهران و ریاست بلدیه را نیز به دیگر اعضای این کمیته یعنی کلنل کاظم خان سیاح و ایپکیان ارمینی واگذار کرد.

اولین اقدام مسعود کیهان در سمت وزارت، انحلال وزارت جنگ در ۱۵ اسفند و تشکیل کمیسیونی برای بررسی ساختار جدید این وزارتخانه بود. در ساختار جدید وزارت جنگ بنابه پیشنهاد رضاخان بریگاد (تیپ) مرکزی به قوای قزاق پیوست که خود عاملی برای تقویت قوای قزاق بود. از دیگر اقدامات مسعود کیهان در سمت وزارت جنگ تقاضای اعطای نشان درجه اول برای کلنل هنری اسمایس و نشانهای درخور لیاقت برای ژنرال آبرونساید و برخی دیگر از افسران انگلیسی بود.^{۲۰}

با وجود همکاری نزدیک بین ژاندارمری و قزاقخانه در مسئله کودتای سوم حوت،

۲۰. سند شماره ۴۵۵۸-ن، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

اختلاف میان این دو نیروی نظامی که ریشه در گذشته داشت همچنان به قوت خود باقی بود و با قدرت گرفتن رضاخان و کسب عنوان سردار سپه و فرماندهی کل قوا این اختلاف شدت گرفت. رضاخان سردار سپه تحت هیچ شرطی حاضر نبود تحت امر مسعودخان کیهان وزیر جنگ که افسری از افسران ژاندارمری بود قرار گیرد. سپهبد امیراحمدی در خاطرات خود در این مورد می‌نویسد:

... سردار سپه گفت این ماژور مسعودخان که با سید ضیاءالدین آمده وزیر جنگ است و من رئیس دیویزیون قزاق؛ در حالی که او ماژور ژاندارمری است و من سردار سپه، و این رئیس و مرئوسی درست در نمی‌آید و باید من وزیر جنگ باشم.^{۲۱}

نافرمانیها و اهانت‌های رضاخان سردار سپه و اختلاف نظر این دو در اداره قشون به حدی رسید که وزیر جنگ در هفتم فروردین ۱۳۰۰ استعفا داد ولی سید ضیاء آن را نپذیرفت ولی عملاً هم برای رفع اختلاف کیهان و رضاخان کاری انجام نداد. تا اینکه سرانجام رضاخان موفق شد و در هفتم اردیبهشت ۱۳۰۰ کیهان که به شدت از سرکشیهها و نافرمانیهای رضاخان آزرده بود استعفا داد. استعفای او بلافاصله پذیرفته شد و سردار سپه به وزارت جنگ منصوب شد و مسعودخان کیهان نیز به سمت وزیر مشاور برگزیده شد که پس از مدتی کوتاه از این سمت هم استعفا داد. به فاصله کمتر از یک ماه دولت سید ضیاءالدین طباطبایی سقوط کرد و سید به همراه یاران خود مسعود کیهان و کاظم خان سیاح و ایکیان، از عوامل اصلی کودتا، کشور را به قصد اروپا ترک نمودند. مسعودخان کیهان پس از اقامتی کوتاه در اروپا مجدداً به ایران بازگشت ولی از مناصب نظامی دوری گزید و به حرفه بی‌خطر معلمی روی آورد. او در سال ۱۳۰۳ به وزارت معارف منتقل شد و به تدریس زبان فرانسه در مدرسه دارالفنون، مدرسه علوم سیاسی، تجارت، حقوق و دانشسرای عالی پرداخت. در سال ۱۳۰۷ نیز به همراه ۱۲۰ دانشجوی دیگر به منظور تحصیل در رشته تاریخ و جغرافیا به فرانسه اعزام شد و پس از بازگشت از سال ۱۳۱۴ به تدریس جغرافیا در دانشگاه تهران مشغول شد. وی در زمینه جغرافیا به تألیفاتی نیز پرداخت که عبارتند از: جغرافیای مفصل ایران در سه جلد و پیدایش فلات ایران. از دیگر فعالیت‌های فرهنگی وی عضویت در هیئت مؤسسين بنگاه و موزه مردم‌شناسی در سال ۱۳۱۶ و عضویت در فرهنگستان در سال ۱۳۲۰ و نیابت تولیت مدرسه سپهسالار می‌باشد. پس از آن تنها پست مهمی که نصیب او شد وزارت فرهنگ

۲۱. خاطرات نخستین سپهبد ایران، احمد امیراحمدی، به کوشش غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران، مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۸.



مسعود کیهان | ۱۵-۴۶۷۴

در دولت علی منصور به مدت چهار ماه بود و در سال ۱۳۳۰ نیز به معاونت دانشگاه تهران منصوب شد.

اما پاسخ این سؤال را، که چرا نظامی تحصیلکرده‌ای چون وی نظامیگری را کنار گذاشت و در ضمن از تصفیه‌های رضاخان جان سالم به در برد و به مشاغل بی‌خطر فرهنگی مشغول شد، شاید بتوان در عهدنامه شب کودتا و پیمان عدم‌خیانت کودتاگران علیه یکدیگر جست‌وجو کرد. مسعود کیهان در سال ۱۳۴۵ در تهران درگذشت و هیچ‌گاه سکوت خود را در مورد اسرار کودتا نشکست.